

## مسائل متفرقه استطاعت

### مسائل متفرقه استطاعت

[۴۶] م - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد [۱]، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست [۲] و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی شود، هر چند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد. [۳]

[۴۷] م - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است [۴]، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست [۵] و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد، با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد [۶]، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد؛ مثل اینکه ممکن است مطالبه، به نزاع [۷] و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

[۴۸] م - با وجوه شرعی؛ مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی شود [۸] و اگر به مکه برود، کفایت از حجة الاسلام نمی کند. [۹]

[۴۹] م - اگر کسی منزل گرانبهتری دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود [۱۰]، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شوون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد [۱۱] و با این فرض مستطیع نیست و اگر زاید بر شوون او باشد [۱۲]، با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۵۰] م - کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب؛ مثل منبر و بقیه را از شهریه ای که از وجوه شرعی است تأمین می کند، اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج، نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست. [۱۳]

[۵۱] م - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند [۱۴]، در صورت نیاز به منزل مسکونی [۱۵] مستطیع نمی شود هر چند [۱۶] پولی که به دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

[۵۲] م - اگر شخصی از سال های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به جهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد [۱۷]، نمی تواند نایب بگیرد [۱۸] و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه اش برای او حج بدهند و اگر از سال های قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است. [۱۹]

[۵۳] م - هرگاه زني با كسب مي تواند مخارج خويش را متكفل شود و مخارج حش را نيز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش براي مخارج به زحمت مي افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حج [۲۰] براي زن نباشد [۲۱] مستطيع است و بايد به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمي شود.

[۵۴] م - كسي كه در محل خودش مستطيع نيست، واجب نيست به حج برود، هر چند استطاعت حج ميقاتي را داشته باشد، ولي اگر رفت و وقتي به ميقات رسيد استطاعت حج از آنجا را با همه شرايط ديگر داشت مستطيع مي شود و كفايت از حجة الاسلام مي كند.

[۵۵] م - كسي كه بعد از استطاعت مالي بدون تأخير، سعي در رفتن به حج داشته و در قرعهكشي شركت نموده و از جهت اينكه قرعه به نامش اصابت نكرده نتوانسته به حج برود [۲۲] مستطيع نشده [۲۳] و حج بر او واجب نيست [۲۴] ولي اگر مسامحه كرد و تأخير نمود و در سال هاي بعد در قرعهكشي شركت كرد، حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نكند. [۲۵]

[۵۶] م - كسي كه براي حج نياپتي اجير شده و بعد در همان سال استطاعت مالي پيدا کرده [۲۶]؛ چنانچه براي حج در آن سال اجير شده باشد، بايد حج نياپتي را به جا آورد [۲۷] و اگر استطاعت او باقي ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

[۵۷] م - در حصول استطاعت فرقي نيست بين اينكه در شهر [۲۸] حج يعني شوال و ذيقعدة و ذیحجه مال پيدا كند يا قبل از آن، بنا بر اين اگر استطاعت مالي پيدا شود و استطاعت بدني و ساير شرايط موجود باشد نمي تواند خود را از استطاعت خارج كند، حتي در اوائل سال و قبل از ماه هاي حج. [۲۹]

[۵۸] م - خدمه كاروان ها كه وارد جده مي شوند، اگر ساير شرايط استطاعت را دارند؛ از قبيل داشتن وسايل زندگي بالفعل يا بالقوه و رجوع به كفايت [۳۰]، مثلاً كار و صنعت و غير آن، كه با آنها مي توانند پس از مراجعت ادامه زندگي مناسب خود را بدهند، مستطيع هستند [۳۱] و بايد حجة الاسلام به جا آورند و كفايت از حج واجب آنان مي كند و چنانچه ساير شرايط را ندارند [۳۲] به مجرد امكان حج، براي آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابي است و چنانچه بعداً استطاعت پيدا كردند، بايد حج واجب را به جا آورند و حكم روحاني كاروان نيز همين است ليكن اگر بعد از مراجعت از مكه نياز به شهریه حوزه دارند مستطيع نمي شوند. [۳۳]

[۵۹] م - پزشكان يا كسان ديگري كه با مأموريت به ميقات آمده اند و در ميقات جامع شرايط استطاعت هستند، واجب است [۳۴] حجة الاسلام به جا آورند [۳۵] هر چند كه لازم است مأموريت خود را نيز انجام دهند. [۳۶]

[۱]. آية الله زنجاني: بايد طبق تفصيلي كه در حاشيه مسأله ۲۳ گذشته نايب بگيرد.

[۲]. نظريات آيات عظام در اين مسأله، در ذيل مسأله ۴۱ گذشت.

[۳]. حکم رجوع به کفایت، در مسأله ۴۰ گذشت.

[۴]. آیه الله بهجت: در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند و یی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست. ( پرسش های جدید حج، س ۳). ( و نیز مراجعه به حاشیه مسأله ۱۹ مفید است).

[۵]. آیه الله زنجانی: و همچنین در صورتی که مطالبه مهریه، موجب حرج یا آبروریزی زن می شود مستطیع نیست....

[۶]. آیه الله زنجانی: مستطیع است و باید به حج برود و اگر بدون مطالبه مهریه نمی تواند حج به جا آورد باید مهریه را مطالبه نماید و به حج برود.

[۷]. آیه الله تبریزی: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی هایی شود که زن در زندگی اش به حرج و مشقت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.

آیه الله سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

آیه الله گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بلکه اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست. ( مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۳۳)

آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

[۸]. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خوبی، سیستانی، گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۴۰ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خوبی، زنجانی: کسی که مالی را که بتواند با آن حج به جا آورد، در اختیار دارد هر چند ملک او نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد با تحقق سایر شرایط مستطیع است.

آیه الله سبحانی: اگر تملک او یا تصرف او در وجوه شرعیه به وجه صحیح صورت گرفته باشد مثل اینکه فقیه جامع الشرائط سهمی را در اختیار او قرار داده باشد با تحقق سائر شرائط، مستطیع می شود و حج او از حجة الاسلام کفایت می کند. ( کتاب الحج، ج ۱، ص ۲۲۴ )

آیه الله فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام به جا آورد.

[۹]. آیه الله اردبیلی: مگر اینکه کسی که حق پرداخت و تملیک این گونه وجوه را دارد به او تملیک نماید و سایر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد.

آیه الله مکارم: هرگاه در شأن او باشد مانعی ندارد و حج او صحیح است.

[۱۰]. آیه الله زنجانی: چنانچه تبدیل آن به منزل ارزان تر مستلزم حرج و هتک حیثیت او نباشد، مستطیع است هر چند منزل کنونی، زائد بر شؤون او نباشد.

[۱۱]. آیه الله اردبیلی: چنانچه منزل دوم نیز مطابق شأن او باشد و تبدیل منزل برای او حرجی نباشد و تفاوت قیمت نیز زیاد باشد، بنابر احتیاط واجب باید منزل را تبدیل کرده و با تفاوت قیمت آن مستطیع می شود و باید به حج

برود.

آیه الله بهجت: گذشت در مسأله ۱۶، و اگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست ( کتاب الحج، ص ۸).

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

آیه الله سبحانی: اگر به حسب شأن او مورد نیاز او باشد لازم نیست آن را بفروشد ( کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۱۰).

[۱۲]. آیه الله خامنه اینکسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می تواند با فروش آنها و خرید مایحتاج زندگیاش، مقدار زائد را صرف مخارج حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی شود، و مقدار مازاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است. ( مناسک حج، م ۲۴)

آیه الله سبحانی: بهتر است بفروشد، ولی تا نفروخته حج بر او واجب نمی شود مگر اینکه اقدام به فروش کند و خانه مناسب شأن تهیه نماید و سپس با باقیمانده پول به حج برود.

[۱۳]. نظر مراجع عظام در ذیل مسأله ۴۰ بیان شد.

آیه الله اردبیلی: چنانچه حال او قبل از رفتن به حج و پس از آن یکسان باشد، مستطیع است و باید به حج برود.

[۱۴]. آیه الله زنجانی: در صورتی که رفتن به حج مستلزم آن باشد که در تهیه منزل مسکونی مورد نیازش به حرج یا هتک حیثیت بیفتد، مستطیع نیست.

[۱۵]. آیه الله مکارم: و قصد تهیه آن را داشته باشد.

[۱۶]. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

آیه الله خامنه ای: در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود هرچند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد. ( مناسک حج، م ۲۵).

[۱۷]. آیه الله زنجانی: اگر امید بهبودی ندارد باید برای انجام حج در اولین سال نایب بگیرد والا باید خودش حج به جا آورد ولی فوریت آن ساقط است و می تواند حج را تا خوب شدن به تأخیر بیندازد و در هر حال اگر انجام نداد تا فوت شد باید برای او حج بدهند و اگر وصیت نکرده نباشد از اصل ترکه او برداشته می شود و همچنین است حکم کسی که از سال های قبل استطاعت نداشته است.

[۱۸]. آیه الله اردبیلی: اگر امید به بهبودی پیدا شدن راه دیگری دارد، نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش در وقت تمکن، به حج برود و گرنه باید نایب بگیرد.

آیه الله بهجت: در صورت استقرار حج، با فرض یأس از زوال عذر، واجب است استنابه نماید و با امید زوال عذر، احوط جمع بین استنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استنابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات، احوط برای غیر مایوس قضای از او با تکرار استنابه است. و اما در صورت عدم استقرار حج، پس با فرض یأس از زوال عذر، اظهر وجوب فوری استنابه است و با امید زوال عذر، احتیاط مستحب این است که فوراً استنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد ( کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹).

آیه الله تبریزی: اگر اطمینان به تمکن از مباشرت نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب است که برای خود نایب بگیرد و چنانچه می داند متمکن از مباشرت نمی شود باید نایب بگیرد و همچنین در فرض بعدی باید بنابر احتیاط نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

آیه الله خامنه ای کسی که حج بر او مستقر شده، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد و یا برای او حرج و مشقت دارد و امیدی به بهبودی و قدرت پیدا کردن بر ادای حج بدون مشقت را - هر چند در سال های آینده - نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد. ولی کسی که حج بر او مستقر نشده، واجب نیست نایب بگیرد. ( مناسک حج، ۴۰م)

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: اگر امید به تمکن از مباشرت نداشته باشد، واجب است که برای خود نایب بگیرد.

آیه الله مکارم: اگر امید بهبودی نداشته باشد می تواند نایب بگیرد.

[۱۹]. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۴۱ استطاعت گذشت.

[۲۰]. آیه الله زنجانی: موجب حرج یا آبروریزی برای زن نباشد...

[۲۱]. آیه الله سیستانی: به حدی که تحملش برای او مشکل باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود. ( مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۲۹، مسأله ۱۱).

[۲۲]. آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال بدهد که بتواند راه حج را بر خود باز کند باید در اولین سال ممکن خودش حج به جا آورد و هرگاه از باز شدن راه حج ناامید شد باید نایب بگیرد.

[۲۳]. آیه الله تبریزی: در صورتی که از رفتن به حج به صورت آزاد متمکن نباشد.

آیه الله سبحانی: اگر راه معمول تشرف به حج، نام نویسی به روش مذکور و در نوبت ماندن باشد، باید ثبت نام کند و عدم اصابت قرعه رافع استطاعت نیست.

آیه الله مکارم: در صورتی که راه مشروع، منحصر به شرکت در قرعهکشی باشد.

[۲۴]. آیه الله خامنه ای: ولی اگر رفتن به حج در سال های بعد از آن منوط به نامنویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد، بنابر احتیاط واجب باید به این کار اقدام کند. ( مناسک حج، م ۳۹ )

[۲۵]. آیه الله اردبیلی: مشروط بر اینکه احتمال دهد چنانچه ثبتنام می کرد، امکان رفتن به حج برایش فراهم می شد.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: مشروط بر اینکه مطمئن بوده که در مرحله قبل قرعه به نامش اصابت می کرده.

آیه الله زنجانی: و در صورتی که تأخیر او از روی مسامحه نبوده - مثلاً از ثبتنام برای قرعهکشی اصلاً اطلاع نداشته است - حج بر او مستقر نشده است، مگر آنکه معلوم گردد که اگر می خواست می توانست حج به جا آورد.

آیه الله سیستانی: چنانچه می دانست در همان سال ثبتنام، قرعه به نام او اصابت می کرد، حج بر او مستقر است و چنانچه می دانست سال های بعد، قرعه به نام او اصابت می کرد، در فرضی که احتمال عروض مانع دیگری، از انجام حج را در سالی که قرعه به نام او اصابت می کرد، نمی داد، بنابر احتیاط واجب، لازم بود ثبت نام کند و در این فرض که ثبتنام نکرده، بنابر احتیاط واجب حج بر او مستقر می شود.

[۲۶]. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر استطاعت به سبب اجیر شدن برای حج نیابتی پیدا کرد، مطابق متن عمل کند، ولی اگر از راه دیگر استطاعت پیدا کرد کشف از بطلان اجاره می شود و باید حج خود را به جا آورد.



آیه الله خامنه ای کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. ( مناسک حج، م ۳۶)

آیه الله زنجانی: باید مطابق مسأله ۳۸ و حاشیه آن عمل نماید.

آیه الله سیستانی: اگر وثوق داشته باشد که در سال آینده می تواند برای خود به جا آورد یا استطاعت او به مال الاجاره باشد، پس اجاره صحیح است و به مقتضای آن عمل نماید. و اگر وثوق ندارد و استطاعت او به غیر مال الاجاره، است در این صورت اجاره باطل است و باید برای خودش حج نماید. ( ملحقات، مناسک مسأله ۱۹).

[۲۷]. آیه الله اردبیلی: بلکه باید حج خود را به جا آورد مگر اینکه حصول استطاعت به واسطه گرفتن نیابت در حج باشد و برای همان سال اول اجیر شده باشد.

[۲۸]. شهر = ماه

[۲۹]. تفصیل نظر مراجع در ذیل مسأله ۲۳ و ۲۴ گذشت.

آیه الله خامنه ای: به حاشیه مسأله ۵۵ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: خواه این استطاعت مالی در اول سال باشد یا در ماههای نزدیک به حج.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

[۳۰]. آیه الله اردبیلی: اگر حال آنها قبل و بعد از حج یکی باشد، رجوع به کفایت در استطاعت شرط نیست.

[۳۱]. آیه الله اردبیلی: مشروط بر آنکه انجام حج مانع از انجام وظیفه آنها به عنوان خدمه نگردد وگرنه مستطیع نیستند.

آیه الله زنجانی: کارگزاران حج بعد از قبول مأموریت چنانچه تشریف به حج، زندگی آنها را مختل نکند و با مأموریت آنها منافات نداشته باشد، با داشتن سایر شرایط مستطیع هستند.

[۳۲]. آیه الله خویی: اگر حج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد و جوب آن بعید نیست ( مناسک، مسأله ۲۸).

آیه الله سبحانی: اگر حج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد حج واجب می شود ( کتاب الحج، ج ۱، ص ۲۷۴).

[۳۳]. تفصیل نظر مراجع در ذیل مسأله ۴۰ گذشت.

آیه الله اردبیلی: اگر حال آنها قبل و بعد از حج فرقی نکند، مستطیع می شوند و نیاز به شهریه مضربه استطاعت نیست.

آیه الله فاضل: گذشت در مسأله ۴۰ که چنین اشخاصی مستطیع می شوند و حج آنها از حجة الاسلام کفایت می کند.

آیه الله مکارم: در تمام مواردی که افراد به عنوان خدمه یا روحانی یا غیر آن به حج می روند، چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد حجه الاسلام و تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست.

[۳۴]. آیه الله خامنه ای: به شرط آنکه ادای مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده اند نباشد. ( مناسک

[۳۵]. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی: باید حجة الاسلام به جا آورند، مگر آنکه مأموریت بهگونه ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند. ( پرسش های جدید حج، ص ۲، س ۸).

آیه الله فاضل: مگر اینکه مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حج تمتع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجة الاسلام می کند.

[۳۶]. آیه الله اردبیلی: حکم آن در مسأله قبل بیان شد.